

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عنوان فیش : منش طلبگی در بیانات رهبر انقلاب

مربوط به: دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب

- ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

عنوان فیش : منش طلبگی

کلیدواژه(ها) : منش طلبگی

نوع(ها) : جستار

متن فیش:

رهبر انقلاب اسلامی، فساد را در بسیاری از موارد ناشی از روحیه زیاده‌طلبی و اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی دانستند و خاطر نشان کردند: اینکه امام بزرگوار بارها بر حفظ زیّ طلبگی و داشتن زندگی ساده و معمولی مسئولان تأکید داشتند، به همین علت بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: مسئولان در نظام اسلامی نمی‌توانند این تصور را داشته باشند که چون مسئولان در کشورهای دیگر از امکانات گوناگون برخوردارند، پس در نظام اسلامی نیز چنین مواردی مباح است.

مربوط به: بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها

- ۱۳۸۹/۰۴/۲۰

عنوان فیش : منش طلبگی

کلیدواژه(ها) : منش طلبگی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: «طیب دَوَّار بَطْبَهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ». نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم.

البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرانه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.

(۱۰۸: از خطبه‌های آن حضرت است در پیشگویی از حوادث آینده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَتَّجِلِيِّ لَخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رَوِيَّةٍ إِذْ كَانَتْ الرُّوِيَّاتُ لَا تَلِيْقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ وَ لَيْسَ بَدَى ضَمِيرٍ فِي نَفْسِهِ خَرَقَ عِلْمَهُ بَاطِنَ غَيْبِ السُّتْرَاتِ وَ أَحَاطَ

بُعْمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ . اخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَشَكَاهُ الضِّيَاءِ وَ ذُوَابَهُ الْعَلْيَاءِ وَ سُرَّةَ الْبَطْحَاءِ وَ مَصَابِيحِ الظُّلْمَةِ وَ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ . وَ مِنْهَا : طَيْبٌ دَوَّارٌ بَطْبُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَى وَ آذَانِ صُمَّ وَ أَلْسِنَةٍ بِكُمْ مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَقْدَحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ النَّاقِبَةِ فَهَمُّ فِي ذَلِكَ كَالْأَنْعَامِ السَّائِمَةِ وَ الصُّخُورِ الْقَاسِيَةِ قَدْ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ وَ وَضَحَتْ مَحَجَّةُ الْحَقِّ لِخَاطِبِهَا وَ أَسْفَرَتِ السَّاعَةُ عَنْ وَجْهِهَا وَ ظَهَرَتِ الْعَلَمَةُ لِمَتَوَسَّمِهَا مَا لِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحًا بِلَا أَرْوَاحٍ وَ أَرْوَاحًا بِلَا أَشْبَاحٍ وَ نُسَاكَآ بِلَا صَلَاحٍ وَ تَجَارًا بِلَا أَرْبَاحٍ وَ أَيْقَاطًا نُومًا وَ شُهُودًا غَيْبًا وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ وَ سَامِعَةً صَمَاءَ وَ نَاطِقَةً بِكَمَاءَ رَايَهُ ضَلَالٌ قَدْ قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا وَ تَفَرَّقَتْ بِشُعْبِهَا تَكِيلُكُمْ بِصَاعِهَا وَ تَخْبِطُكُمْ بِبَاعِهَا قَائِدُهَا خَارِجٌ مِنَ الْمَلَّةِ قَائِمٌ عَلَى الضَّلَّةِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ مِنْكُمْ إِلَّا نَفَالَةٌ كَثْفَالَةُ الْقَدْرِ أَوْ نَفَاضَةٌ كَنَفَاضَةِ الْعَمِّ تَعْرُكُكُمْ عَرَكُ الْأَدِيمِ وَ تَدُوسُكُمْ دُوسَ الْحَصِيدِ وَ تَسْتَخْلَصُ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَيْنِكُمْ اسْتِخْلَاصَ الطَّيْرِ الْحَبَّةَ الْبَطِينَةَ مِنْ بَيْنِ هَزِيلِ الْحَبِّ أَيْنَ تَذَهَبُ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ وَ تَتِيهُ بِكُمْ الْغِيَاہِبُ وَ تَخْدَعُكُمْ الْكُوَاذِبُ وَ مِنْ أَيْنَ تُؤْتُونَ وَ أَنَّى تُؤَفِّكُونَ فَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ وَ لِكُلِّ غِيَّةٍ إِيَابٌ فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِيكُمْ وَ أَحْضِرُوا قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَيْقِظُوا إِنْ هَتَفَ بِكُمْ وَ لِيَصْدُقَ رَأْيُ أَهْلِهِ وَ لِيَجْمَعَ شَمْلُهُ وَ لِيَحْضِرَ ذَهْنُهُ فَلَقَدْ فَلَقَ لَكُمْ الْأَمْرَ فَلَقَ الْخَرْزَةَ وَ قَرَفَهُ قَرَفَ الصَّمْغَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خَذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ وَ عَظَمَتِ الطَّاعِيَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعُقُورِ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومٍ وَ تَوَآخَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكُذْبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غِيظًا وَ الْمَطْرُ قِيظًا وَ تَفِيضُ اللَّثَامِ فَيْضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غِيضًا وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا وَ سَلَّاطِينُهُ سَبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أَكَالًا وَ فِقْرَاؤُهُ أَمَوَاتًا وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الْكُذْبُ وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا وَ لَبَسَ الْإِسْلَامُ لَبْسَ الْفَرِّوِّ مَقْلُوبًا

ترجمه:

خدای را سپاس که با آفرینش مخلوقات بر مخلوقات تجلی کرد، و با حجت خود بر قلوبشان آشکار است، بدون به کار گیری اندیشه موجودات را آفرید، زیرا اندیشه‌ها در خور آنانی است که دارای ضمائرند، و خدا را فی نفسه ضمیر نیست. دانش او عمق پرده‌های غیب را شکافته، و به پیچیدگی‌ها و دقایق آراء نهنانها احاطه نموده. از این خطبه است در باره پیامبر صلی الله علیه و آله او را از شجره انبیا، و از چراغدان نور، و از مرتبت بلند، و از مرکز سرزمین بطحا، و از چراغهای بر

افروخته در ظلمت، و چشمه‌های حکمت اختیار نمود و از این خطبه است طیبی است که همراه با طَبش در میان مردم می‌گردد، مرهمهایش را محکم و آماده ساخته، و ابزارهایش را برای سوزاندن زخمها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد: در زمینه دل‌های کور، و گوشهای کر، و زبانهای لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماریهای غفلت، و دردهای حیرت است. این بیماران وجود خود را از انوار حکمت روشن ننموده، و با آتش زنه دانشی درخشان شعله نیفروخته‌اند. از این بابت به مانند چهارپایان چرنده، و سنگهای سخت‌اند. حقایق پنهان برای اهل بصیرت آشکار، و راه حق برای اشتباه کنندگان نمایان شد، و قیامت پرده از چهره برداشت، و نشانه‌های آن برای صاحب فراست ظاهر گشت. چه شده که شما را پیکرهایی بی‌جان، و جانمایی بی‌پیکر، و عابدانی بی‌صلاح، و تاجرانی بی‌سود، و بیدارانی خواب، و حاضرانی غایب، و ناظرانی کور، و شنوندگانی کر، و گویندگانی لال مشاهده می‌کنم دولت ضلالت بر محور خود به پا شده، و با شاخه‌هایش همه جا پراکنده گردیده، شما را با کیل خود وزن می‌کند، و با همه دست خود بر سرتان می‌کوبد، پرچمدار این حکومت از دین خارج است، و بر سکوی گمراهی ایستاده، آن زمان از شما جز به مانند باقی مانده ته دیگ، یا به مثل خرده دانه‌ای که در ته بقچه مانده چیزی باقی نماند. دولت ضلالت شما را به مانند به هم پیچیده شدن چرم به هم می‌مالد، و همچون کوبیدن خرمن می‌کوبد، این سرکشان همچون پرنده‌ای که دانه درشت را از دانه ریز جدا می‌کند مؤمن را از میان شما جدا می‌کنند. این راهها شما را کجا می‌برد تاریکی‌ها تا چه وقت شما را سرگشته و حیران می‌نماید دروغها چگونه شما را می‌فریبند این بلا از کجا به سر شما می‌آید و به کجا باز گردانده می‌شوید برای هر زمانی سرنوشتی است، و هر غیبتی را باز گشتی است. پس، از عالم ربّانی خود بشنوید، دل‌های خود را نزد او حاضر کنید، و اگر بر شما فریاد زد بیدار شوید. خیر گزار باید به مردمش راست بگویید، و پراکندگی کار و افکار خود را جمع نماید، و ذهنش را آماده سازد. عالم ربّانی حقایق را همچون شکافتن مهره برای شما شکافت، و حقیقت را همچون کندن پوست درخت برای یافتن صمغ پوست کند. به وقت بر پا شدن بیرق گمراهی باطل در محلّ خود جای گرفته، و جهالت بر مرکبهایش سوار گشته، و گروه ستمگر بزرگ و فراوان گردد، و دعوت کننده به حق کم شود، و روزگار همچون وحشی گزنده حمله نماید، و شتر باطل پس از سکوت عربده کشد و قوّت گیرد، و مردم بر معصیت پیمان برادری بندند، و بر دین از هم دوری نمایند، و بر دروغ با یکدیگر دوست شوند، و بر راستی با هم دشمنی ورزند. در این وقت فرزند باعث خشم پدر، و

باران عامل حرارت گردد، و مردم پست فراوان، و خوبان کمیاب شوند. مردم (توانمند) آن روزگار همچون گرگ، و حاکمانشان درنده، و میانه حالشان طعمه، و نیازمندانشان مرده خواهند بود، راستی ناپدید شود، و دروغ فراوان گردد، مردم به زبان اظهار دوستی، و به دل دشمنی کنند، فسق عامل نسبت، و عفت باعث شگفتی شود، و اسلام را همچون پوستین وارونه پوشند

مربوط به: **بیانات در دیدار اعضای نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها**

۱۳۸۹/۰۴/۲۰ -

عنوان فیش: **ضرورت حفظ حالت مردمی بودن روحانیت**

کلیدواژه(ها): روحانی ها، منش طلبگی

نوع(ها): **نهج البلاغه**

متن فیش:

یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک میکند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین فرمود: «طیب دوار بطنه قد احکم مراهمه و احمی مواسمه». (۱) نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه‌ی روحانی و مجموعه‌ی آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم. البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و اینها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیتهای اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا میکردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدران، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی حبس نشدن مجموعه در قالبهای سازمانی. نه اینکه من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمیرود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در

همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم. البته این حالت در مذاهب و ادیان دیگر هم بکلی منتفی نیست؛ یک جاهائی وجود دارد، برای آنها خیلی هم خوب است؛ اما حالا در بین شیعه یک سنتی است. این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - اینکه با مردم مانوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.

(۱ خطبه ۱۰۸: از خطبه‌های آن حضرت است در پیشگویی از حوادث آینده

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَتَجَلَّى لَخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ وَ الظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ خَلَقَ الْخَلْقَ مِنْ غَيْرِ رُؤْيَةٍ إِذْ كَانَتْ الرُّؤْيَاتُ لَا تَلِيْقُ إِلَّا بِذَوِي الضَّمَائِرِ وَ لَيْسَ بِذِي ضَمِيرٍ فِي نَفْسِهِ خَرَقَ عِلْمُهُ بَاطِنَ غَيْبِ السُّرَاتِ وَ أَحَاطَ بِغُمُوضِ عَقَائِدِ السَّرِيرَاتِ . اخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَ مَشَكَاهُ الضِّيَاءِ وَ ذُوَابَهُ الْعُلْيَاءِ وَ سُرَّةَ الْبَطْحَاءِ وَ مَصَابِيحِ الظُّلْمَةِ وَ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ . وَ مِنْهَا : طَيْبٌ دَوَّارٌ بَطْبُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَى وَ آذَانِ صُمَّ وَ أَلْسِنَةٍ بِكُمْ مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِأَضْوَاءِ الْحِكْمَةِ وَ لَمْ يَقْدَحُوا بِزِنَادِ الْعُلُومِ النَّاقِبَةِ فَهُمْ فِي ذَلِكَ كَاللَّانِعَامِ السَّائِمَةِ وَ الصُّخُورِ الْقَاسِيَةِ قَدْ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ وَ وَضَحَتْ مَحَجَّةُ الْحَقِّ لِخَابِطِهَا وَ اسْفَرَّتِ السَّاعَةُ عَنْ وَجْهِهَا وَ ظَهَرَتِ الْعَلَمَاءُ لِمَتَوَسَّمِهَا مَا لِي أَرَاكُمْ أَشْبَاحًا بِلَا أَرْوَاحٍ وَ أَرْوَاحًا بِلَا أَشْبَاحٍ وَ نُسَاكًا بِلَا صَلَاحٍ وَ تَجَارًا بِلَا أَرْبَاحٍ وَ أَيْقَاطًا نَوْمًا وَ شُهُودًا غَيْبًا وَ نَاطِرَةً عَمِيَاءَ وَ سَامِعَةً صَمَاءَ وَ نَاطِقَةً بِكَمَاءٍ رَأْيُهُ ضَلَالٌ قَدْ قَامَتْ عَلَى قُطْبِهَا وَ تَفَرَّقَتْ بِشُعْبِهَا تَكِيلُكُمْ بِصَاعِهَا وَ تَخْبِطُكُمْ بِبَاعِهَا قَائِدُهَا خَارِجٌ مِنَ الْمَلَّةِ قَائِمٌ عَلَى الضَّلَّةِ فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ مِنْكُمْ إِلَّا نُفَالَةٌ كَثْفَالَةُ الْقَدْرِ أَوْ نُفَاضَةٌ كُنْفَاضَةَ الْعَمِّ تَعْرُكُكُمْ عَرَكُ الْأَدِيمِ وَ تَدُوسُكُمْ دُوسَ الْحَصِيدِ وَ تَسْتَخْلَصُ الْمُؤْمِنَ مِنْ بَيْنِكُمْ اسْتَخْلَاصَ الطَّيْرِ الْحَبَّةَ الْبَطِينَةَ مِنْ بَيْنِ هَزِيلِ الْحَبِّ أَيْنَ تَذْهَبُ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ وَ تَتِيهُ بِكُمْ الْغِيَاہِبُ وَ تَخْدَعُكُمْ الْكُوَاذِبُ وَ مِنْ أَيْنَ تُؤْتُونَ وَ أَنَّى تُؤَفَّكُونَ فَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ وَ لِكُلِّ غَيْبَةٍ إِيَابٌ فَاسْتَمِعُوا مِنْ رَبَّانِيكُمْ وَ أَحْضَرُوا قُلُوبَكُمْ وَ اسْتَيْقِظُوا إِنْ هَتَفَ بِكُمْ وَ لِيَصْدُقَ رَأْيُ أَهْلِهِ وَ لِيَجْمَعَ شَمْلُهُ وَ لِيَحْضُرَ ذَهْنُهُ فَلَقَدْ فَلَقَ لَكُمْ الْأَمْرَ فَلَقَ الْخَرَزَةَ وَ قَرَفَهُ قَرَفَ الصَّمْعَةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَا خَذَهُ وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَآكِبَهُ وَ عَظَمَتِ الطَّاعِيَةُ وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعُقُورِ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومٍ وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكُذْبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غِيظًا وَ الْمَطْرُ قِيظًا وَ تَفِيضُ اللَّثَامِ فَيْضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غِيضًا وَ

كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الزَّمَانِ ذُنَابًا وَ سَلْطَانُهُ سَبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أَكْالًا وَ فَقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ
الْكَذِبُ وَ اسْتَعْمَلَتِ الْمَوَدَّةُ بِاللِّسَانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ الْفُسُوقُ نَسَبًا وَ الْعَفَافُ عَجَبًا وَ
لَيْسَ الْإِسْلَامُ لَيْسَ الْفَرُّ مَقْلُوبًا

ترجمه:

خدای را سپاس که با آفرینش مخلوقات بر مخلوقات تجلی کرد، و با حجت خود بر قلوبشان آشکار است، بدون به کار گیری اندیشه موجودات را آفرید، زیرا اندیشه‌ها در خور آنانی است که دارای ضمائرند، و خدا را فی نفسه ضمیر نیست. دانش او عمق پرده‌های غیب را شکافته، و به پیچیدگی‌ها و دقائق آراء نهانها احاطه نموده. از این خطبه است در باره پیامبر صلی الله علیه و آله او را از شجره انبیا، و از چراغدان نور، و از مرتبت بلند، و از مرکز سرزمین بطحا، و از چراغهای بر افروخته در ظلمت، و چشمه‌های حکمت اختیار نمود و از این خطبه است طیبی است که همراه با طَبَش در میان مردم می‌گردد، مرهمهای را محکم و آماده ساخته، و ابزارهایش را برای سوزاندن زخمها داغ نموده، تا هر جا لازم باشد: در زمینه دل‌های کور، و گوشهای کر، و زبانهای لال به کار گیرد. دارو به دست به دنبال علاج بیماریهای غفلت، و دردهای حیرت است. این بیماران وجود خود را از انوار حکمت روشن ننموده، و با آتش زنه دانشی درخشان شعله نیفروخته‌اند. از این بابت به مانند چهارپایان چرنده، و سنگهای سخت‌اند. حقایق پنهان برای اهل بصیرت آشکار، و راه حق برای اشتباه کنندگان نمایان شد، و قیامت پرده از چهره برداشت، و نشانه‌های آن برای صاحب فراست ظاهر گشت. چه شده که شما را پیکرهایی بی‌جان، و جانمایی بی‌پیکر، و عابدانی بی‌صلاح، و تاجرانی بی‌سود، و بیدارانی خواب، و حاضرانی غایب، و ناظرانی کور، و شنوندگانی کر، و گویندگانی لال مشاهده می‌کنم دولت ضلالت بر محور خود به پا شده، و با شاخه‌هایش همه جا پراکنده گردیده، شما را با کیل خود وزن می‌کند، و با همه دست خود بر سرتان می‌کوبد، پرچمدار این حکومت از دین خارج است، و بر سکوی گمراهی ایستاده، آن زمان از شما جز به مانند باقی مانده ته دیگ، یا به مثل خرده دانه‌ای که در ته بقچه مانده چیزی باقی نماند. دولت ضلالت شما را به مانند به هم پیچیده شدن چرم به هم می‌مالد، و همچون کوبیدن خرمن می‌کوبد، این سرکشان همچون پرنده‌ای که دانه درشت را از دانه ریز جدا می‌کند مؤمن را از میان شما جدا می‌کنند. این راهها شما را کجا می‌برد تاریکی‌ها تا چه وقت شما را سرگشته و حیران می‌نماید دروغها چگونه شما را می‌فریبند این بلا از کجا به سر شما می‌آید و به کجا باز گردانده می‌شوید

برای هر زمانی سرنوشتی است، و هر غیبتی را باز گشتی است. پس، از عالم ربّانی خود بشنوید، دل‌های خود را نزد او حاضر کنید، و اگر بر شما فریاد زد بیدار شوید. خبر گزار باید به مردمش راست بگوید، و پراکندگی کار و افکار خود را جمع نماید، و ذهنش را آماده سازد. عالم ربّانی حقایق را همچون شکافتن مهره برای شما شکافت، و حقیقت را همچون کندن پوست درخت برای یافتن صمغ پوست کند. به وقت بر پا شدن بیرق گمراهی باطل در محلّ خود جای گرفته، و جهالت بر مرکب‌هایش سوار گشته، و گروه ستمگر بزرگ و فراوان گردد، و دعوت کننده به حق کم شود، و روزگار همچون وحشی گزنده حمله نماید، و شتر باطل پس از سکوت عربده کشد و قوّت گیرد، و مردم بر معصیت پیمان برادری بندند، و بر دین از هم دوری نمایند، و بر دروغ با یکدیگر دوست شوند، و بر راستی با هم دشمنی ورزند. در این وقت فرزند باعث خشم پدر، و باران عامل حرارت گردد، و مردم پست فراوان، و خوبان کمیاب شوند. مردم (توانمند) آن روزگار همچون گرگ، و حاکمانشان درنده، و میانه حالشان طعمه، و نیازمندانشان مرده خواهند بود، راستی ناپدید شود، و دروغ فراوان گردد، مردم به زبان اظهار دوستی، و به دل دشمنی کنند، فسق عامل نسبت، و عفت باعث شگفتی شود، و اسلام را همچون پوستین وارونه پوشند

مربوط به: **بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳۸۸/۱۱/۱۳** -

عنوان فیش: روحانی‌ها، منش طلبگی

کلیدواژه(ها): روحانی‌ها، منش طلبگی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

مسئله‌ی دکتری افتخاری؛ این یک افتخار است که این دانشگاه اظهار محبت را به ما بکند؛ لیکن من اهل دکتری نیستم؛ همان طلبگی ما کافی است. اگر بتوانیم به میثاق طلبگی متعهد و پایبند بمانیم - که قولاً و فعلاً این میثاق را از دوران نوجوانی و جوانی با خدای متعال بستیم - اگر خداوند کمک کند و ما بتوانیم این میثاق را حفظ کنیم و در همین عالم طلبگی پیش برویم، من این را ترجیح می‌دهم.

مربوط به: **بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷ -**

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می کنند، خیال می کنند ماها نمی کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی دهند، خیال می کنند ما انجام می دهیم؛ خیال می کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار - که غالباً از آن غفلت می شود - هستیم؛ یک چنین تصوراتی درباره‌ی ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (سلام الله علیه) در یکی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی ثانیه‌ی سجادیه از خدای متعال شش چیز می خواهد، که یکی اش این است: «و لَبَّأ رَاجِحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زیّ طلبگی است. نمی گویم عبا‌ی پاره به دوشمان بیندازیم؛ معنای زیّ طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبلها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است. این شأن پولدارها و پول پرستهاست. ما هم فلان چیز را هوس می کنیم، اما حالا پول نداریم، به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می رویم آن را تهیه می کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافیگری، وقتی این یک جزئش فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصتهای دیگر همین طور بتدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک زیّ متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

مربوط به: **بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۷ -**

عنوان فیش: منش طلبگی، روحانی‌ها

کلیدواژه(ها): منش طلبگی، روحانی‌ها

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

مربوط به: **بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۸۳/۱۰/۲۳ -**

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

حضور مجموعه‌یی به نام عقیدتی، سیاسی در نیروهای مسلح، یکی از الهامات الهی و از برکات پروردگار بر امام بزرگوار ما و مجموعه‌ی دست‌اندرکار امور کشور بود. نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند - همچنان که به طیب احتیاج دارند - و اگر روحانی در هر نقطه‌یی به وظایف خود عمل کند، آن‌جا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. گاهی وجود ما عمامه‌یی‌ها در جاهایی بی‌اثر می‌شود، یا احیاناً خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می‌گذارد؛ این به خاطر این است که ما در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم. در طول سالهای متمادی عمر روحانیت شیعه، هر جا روحانیون با منش و هویت روحانی خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و امنیت، و چه در هر میدان دیگری.

شان روحانی این است. نمی‌خواهم ادعا کنم که حضور روحانیون در نیروهای مسلح در سالهای بعد از انقلاب صددرصد همان‌طوری بوده است که از ماها انتظار می‌رفته؛ اما می‌خواهم این را عرض کنم که در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هر جا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی بر جای گذاشته‌اند.

مربوط به: **بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۸۳/۱۰/۲۳ -**

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هرچند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمی محض است. شما فرض کنید در فلان محله‌ی تهران یا هر شهر دیگری پیشنهاد یک مسجد هستید. پیشنهاد یک مسجد چگونه رفتار می‌کند؟ با امر و نهی و پُسر و پیشرو رفتار می‌کند؟ اگر بکنند، مردم به نمازش نمی‌آیند. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیشنهادهای مردمی است: با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسأله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند. گفت:

چو وانمی‌کنی گرهی خود گره مباش

ابرو گشاده باش چو دستت گشاده نیست

به عنوان آخوندی، دست ما گشاده نیست؛ اما ابرویمان که می‌تواند گشاده باشد. بنده خودم سالها پیشنهادی کرده‌ام؛ می‌دانم انسان چگونه باید با مردم رفتار کند. وقتی نماز تمام می‌شد، برمی‌گشتم رو به مردم می‌نشستم. تسبیحات حضرت زهرا را هم که می‌گفتم، افراد می‌آمدند و می‌دیدند راه باز است. جوان می‌آمد، مزلف می‌آمد، بازاری می‌آمد، ریش‌دار می‌آمد، بی‌ریش می‌آمد. آن زمان، پوشیدن پوستین‌های وارونه در میان جوانهای بیتل مد شده بود. یک روز رفتم نماز، دیدم

یکی از همین جوانهای آلامد که موهایش را روغن زده، آمده و صف اول کنار متدینین و بازاری‌های خوب و افراد محاسن سفید نشسته. احساس کردم این جوان با من حرفی دارد. نشستم و به او پاسخ نگاه دادم؛ یعنی اجازه دادم بیاید حرفش را بزند. جلو آمد و گفت آقا! من صف اول بنشینم، اشکال دارد؟ گفتم نه، چه اشکالی دارد؟ شما هم مثل بقیه. گفت: این آقایان می‌گویند اشکال دارد. گفتم: این آقایان بیخود می‌گویند! این جوان، دیگر از این مسجد پا نمی‌کشد. این جوان، دیگر از این پیشنماز دل نمی‌کند. همین‌طور هم بود؛ از ما دل نمی‌کنند. بنده وقتی مسجد می‌رفتم، در میان صد نفر، اقلاً نود نفرش جوانها بودند. بنده هیچ چیز خاصی نداشتم؛ نه یک مایه‌ی آن‌چنانی معنوی، نه یک مایه‌ی دنیوی؛ اما با مردم بودم.

مربوط به: **بیانات در دیدار مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی ۱۳۸۳/۱۰/۲۳ -**

عنوان فیش: نیروهای مسلح، روحانی‌ها، طلاب جوان، منش طلبگی

کلیدواژه(ها): نیروهای مسلح، روحانی‌ها، طلاب جوان، منش طلبگی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

در مجموعه‌ی بزرگ نیروهای مسلح، هر جا علما، روحانیون، فضلا و طلاب جوان با همان منش روحانی حضور داشته‌اند، تأثیرات بسیار گرانبهایی بر جای گذاشته‌اند.

مربوط به: **بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه**

- ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

دوم، حفظ زی طلبگی است. زی طلبگی چیست؟ من زی طلبگی را در دو جمله می توانم معرفی کنم: پارسایی با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی. طلبه، پارساگونه زندگی می کند. البته من از اوضاع مادی حوزه علمی، حقیقتاً آشفته و ناراحتم. از مشکلاتی که بسیاری از طلاب و فضلا با آن دست و پنجه نرم می کنند - مشکلات مادی - مطلعم. گاهی اوقات بعضی از این اطلاعات برای من بسیار تلخ و گزنده است. البته آن مقوله دیگری است که واقعاً باید برایش فکری کرد. امروز حقیقتاً طلاب علوم دینی از همه طبقات جامعه - حتی از کارمند و از کارگر و از دیگران - از لحاظ حظ معیشتی پایین ترند - این یک واقعیت است - در حالی که یکی از بزرگترین و شریفترین کارها را اینها انجام می دهند. از ظواهر هم چندان چیزی نمی شود فهمید. همان عزت نفس و مناعتی که طلاب علوم دینی از گذشته با آن سرافراز بوده اند، نمی گذارد آدمهای سطحی و ظاهربین، بسیاری از بواطن امر را ببینند و بشناسند. من نمی خواهم آن مقوله را با این مقوله مخلوط کنم. آنی که حالا عرض می کنم، این است که طلاب - چه آنهایی که برخوردارند، چه آنهایی که دچار سختیهایی هستند - باید زی طلبگی شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزت نفس؛ این یک. دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن نظم در زندگی؛ که خصوصیت طلبگی نظم است.

مربوط به: **بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه**
- ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

عنوان فیش: منش طلبگی، روحانی ها

کلیدواژه(ها): منش طلبگی، روحانی ها

نوع(ها): جمله های برگزیده

متن فیش:

من زی طلبگی را در دو جمله می توانم معرفی کنم: پارسایی با عزت، و نظم در تحصیل و زندگی.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۲۷/۱۰/۱۳۷۴ -**

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

مبلّغ دین و مبین معارف دینی، باید به زبان اکتفا نکند؛ بلکه عمل او هم باید ایمان و اخلاص و صفایش را در بیان این حقیقت برای مخاطب ثابت کند و نشان دهد. این که مشاهده می‌کنید در هر کاری که علمای دین پیشگام باشند، مردم پاسخ مثبت می‌دهند و اجابت می‌کنند و جمع می‌شوند و عمل می‌کنند - چه جبهه باشد، چه امر سیاست و چه خود انقلاب - به خاطر این است که این لباس و شغل و زیّ، به خاطر عمل اخیار و نیکانی که قبل از ما بوده‌اند، توانسته است ایمان مردم را به خود متوجه و جلب کند. این، اخلاص علمای گذشته و بزرگان ماست و سرمایه‌ی ارزشمندی محسوب می‌شود. باید این را حفظ کنیم. وقتی علمای دین، چنین ایمان و اخلاصی را از خود نشان می‌دهند و عملاً برای مردم ثابت می‌کنند، کار هدایت آنها را آسان می‌سازند.

مربوط به: **بیانات در دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی ۱۲/۰۵/۱۳۷۰ -**

عنوان فیش: روحانی‌ها، احساس مسئولیت، منش طلبگی

کلیدواژه(ها): روحانی‌ها، احساس مسئولیت، منش طلبگی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

آنچه برای ما طلبه‌ها همیشه شوق‌آفرین بوده، احساس انجام وظیفه بوده است. عالم طلبگی، با شکل و فرم و ساخت و محتوای دستگاه‌های صرفاً اداری فرق دارد.

مربوط به: **بیانات در دیدار روحانیون تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق(ع)**

- ۱۳۷۰/۰۹/۱۱

عنوان فیش : منش طلبگی

کلیدواژه(ها) : منش طلبگی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

رعایت ظواهر نظامی، خیلی مهم است. بدون شک، در امر نظامی، ظواهر عنوان بواطن است. یعنی اگر آن شخص نظامی که جلوی شما می آید، چنانچه دیدید یقه اش باز است، یا دکمه اش افتاده، بدانید که او قطعاً در میدان جنگ کم خواهد آورد. نه این که اگر یقه اش بسته بود و دکمه اش نیفتاده بود، کار را تمام خواهد کرد؛ نه، این جزو موضوع است؛ تمام موضوع نیست. یعنی اگر همه چیزش تکمیل باشد، اما مثلاً وقتی پیش شما می آید، ببینید بند پوتینش باز یا شل است، یقین کنید که او در میدان جنگ، آن کاری که شما می خواهید، نخواهد کرد. باید کارش شسته، رفته، مرتب، منظم و پُروپیمان - در همان زوی بی که از او متوقع است - باشد. البته ممکن است از طلبه ی نظامی زوی خاصی متوقع باشد؛ آن زوی را مشخص کنید، تا همان زوی را داشته باشد.

مربوط به : **بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان لرستان ۱۳۷۰/۰۵/۳۰ -**

عنوان فیش : منش طلبگی

کلیدواژه(ها) : منش طلبگی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

خداوند ان شاء الله توفیق انجام وظیفه و اهدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زوی مقدس روحانی جدا نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته ی مقدس و افتخار آمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۶۹/۱۲/۲۲ -**

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

اگر خدای نکرده بر اثر بی توجهیها، غفلتها، وقت شناسیها، وظیفه شناسیها و منحرف شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره‌ی هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گرانبهایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدتها و اخلاصها به وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌یی را فراهم آورد. پس، در این روزگار، اولین باید ما معلمان و مترییان به زی علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره‌ی روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

مربوط به: **پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)**

- ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

در همه جای عالم، فاصله‌ی میان زندگی رؤسای کشور با مردم کوچه و بازار، فاصله‌ی شاه و گداست و حتی حکومت‌هایی هم که داعیه‌ی توده‌یی داشتند، نتوانستند از زندگی مسرفانه‌ی شاهان برای خود صرف نظر کنند. افتخار نظام اسلامی آن است که امام عظیم‌الشأنش تا پایان عمر در زی طلبگی زندگی کرد و مسؤولان کشور بدون استثنا، دامن خود را از طرز زندگیهای رایج

مسئولان در سایر کشورها پاکیزه نگهداشتند و مانند قشرهای متوسط مردم خود زندگی کرده‌اند. مردم میان خود و مسئولان، آن فاصله‌ی عمیقی را که در همه جای دنیا میان مردم و مسئولان هست، مشاهده نکردند.

مربوط به: **بیانات در دیدار و عمامه‌گذاری جمعی از طلاب به مناسبت میلاد حضرت**

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ۱۳۶۸/۱۰/۲۶ -

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

هر چند که ورود در رشته‌ی تحصیل علوم دینی و طلبه شدن، یک مرحله‌ی سرنوشت‌ساز و مهمی محسوب می‌شود و طلبه‌ی با عمامه و بی‌عمامه، هر دو گونه‌اش را داریم؛ لیکن نفس تلبس به لباس روحانیت و اهل علم دینی و گذاشتن عمامه هم خودش مرحله‌ی است و بسیار حایز اهمیت می‌باشد. تا شما عمامه سرتان نیست، مردم یک‌طور از شما توقع دارند؛ اما وقتی عمامه بر سر گذاشتید، این توقع طور دیگری خواهد شد.

این لباس، هزار سال است که لباس علم می‌باشد. نمی‌گوییم که فقط علما این لباس را داشتند؛ نه، هزار سال است که زی‌اهل علم در روحانیت شیعه، از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا حالا، محور و مرکز امید مردم برای امور بوده است.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه**

محرم ۱۳۶۸/۰۵/۱۱ -

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

امروز، اگر روحانیت از زیّ خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زیّ روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پابندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه**

محرّم ۱۳۶۸/۰۵/۱۱ -

عنوان فیش: منش طلبگی، روحانیون

کلیدواژه(ها): منش طلبگی، روحانیون

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

امروز، اگر روحانیت از زیّ خود خارج بشود و قدرت‌طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از اینها لطمه‌اش غیرقابل جبران است.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از علما و روحانیون سراسر کشور در آستانه‌ی ماه**

محرم ۱۳۶۸/۰۵/۱۱ -

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جمله‌های برگزیده

متن فیش:

باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تاکید و توجه قرار بگیرد.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از روحانیون سراسر کشور ۱۳۶۸/۰۴/۰۴ -**

عنوان فیش: منش طلبگی

کلیدواژه(ها): منش طلبگی

نوع(ها): جستار

متن فیش:

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت - که بنده هم طلبه‌یی در این مجموعه‌ی عظیم روحانی هستم - این است که هر چه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

مربوط به: **بیانات در دیدار جمعی از روحانیون سراسر کشور ۱۳۶۸/۰۴/۰۴ -**

عنوان فیش: منش طلبگی, وظایف روحانیت

کلیدواژه(ها): منش طلبگی, وظایف روحانیت

نوع(ها) : جمله‌های برگزیده

متن فیش :

تکلیف ما جامعه‌ی روحانیت این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه‌ی علمی روحانیت بیفزاییم.

مربوط به: **بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح ۱۳۶۴/۰۹/۲۶ -**

عنوان فیش : منش طلبگی

کلیدواژه(ها) : منش طلبگی

نوع(ها) : جستار

متن فیش :

درس در حوزه‌های علمیه یک عبادت محسوب می‌شود. تربیت طلبگی از اول این است، درس یک عمل عبادی است. لازمه‌اش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می‌گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه‌ی درس وضو می‌گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه‌ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رایج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه‌ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی‌پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا بینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه‌ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی‌ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه‌های زندگی دنبال می‌کرد هیچ انگیزه‌ای جز انگیزه‌ی معنوی و اخروی و الهی نمی‌تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی‌پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی‌کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم.

مربوط به: **بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح ۱۳۶۴/۰۹/۲۶ -**

عنوان فیش : منش طلبگی
کلیدواژه(ها) : منش طلبگی
نوع(ها) : جستار

متن فیش :

عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه‌ی شرعی و الهی درس خواندن این یک چیز فوق‌العاده مهمی در حوزه‌های علمیه هنوز هم هست. هنوز هم شما ببینید آن جوانی که پا می‌شود می‌رود طلبه می‌شود، از دانشگاه می‌رود، از دبیرستان می‌رود، از روستا می‌رود، از شهر می‌رود. می‌روند طلبه می‌شوند. وقتی که شما بروید از او پرسید چرا طلبه شدی؟ می‌خواهی چکار بکنی؟ می‌بینید که این، یک هدف معنوی این را کشانده آورده، البته استثنا دارد. مواردی ممکن است کسانی استثنا باشند، انگیزه‌های دیگر داشته باشند اما روال این است، رنگ عمومی این است. به دنبال یک هدف معنوی آمده. می‌گوید آمدم اسلام را بفهمم، اسلام را تحقیق کنم. آمدم راهنمایی کنم مردم را یاد بگیرم راهنمایی کنم مردم را. اصلاً از اول انگیزه این است. در حالی که در دانشگاه قبلی ما و فرهنگ دانشگاهی ما این نبود. اگر از یک دانشجو می‌پرسیدند آقا شما چرا آمدی دانشجو بشوید؟ می‌گفت، آمدم تا یک شغل خوب پیدا کنم، آمدم بشوم مثلاً پزشک، بشوم مهندس، بشوم نمی‌دانم چه، و هیچ ابائی نبود از این که بگوید که آدم تا یک مثلاً درآمد خوبی در آینده داشته باشم، زندگی‌ام را می‌خواهم خوب تأمین بکنم. در عرف حوزه‌ی علمیه این عیب است، اگر از یک طلبه‌ای پرسند آقا شما برای چی آمدی؟ اگر در دلش هم تأمین زندگی آینده باشد، جرأت نمی‌کند به زبان بیاورد، این یک عیب محسوب می‌شود که ایک نفر بیاید طلبه بشود برای این که زندگی‌اش را تأمین بکند! این یک ارزش منفی است، یک نقطه‌ی منفی و سیاه است. ببینید همین خُلق، همین روحیه، اگر بیاید توی دانشگاه، اگر ما بتوانیم همین یک قدم را برداریم؛ کانال بزیم بین حوزه و دانشگاه روحیه‌ی درس را، عبادت دانستن و به عنوان وظیفه‌ی الهی انجام دادن، این را ما منتقلش کنیم به دانشگاه که البته این انتقال کار آسانی هم نیست. اما ببینید چه قیامت عظیمی برپا خواهد شد.

مربوط به: **بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح ۱۳۶۴/۰۹/۲۶ -**

عنوان فیش: انعکاس زندگی طلبگی در کتاب سیاحت غرب مرحوم آقاجنفی قوچانی
کلیدواژه(ها): تاریخ فعالیتها و مبارزات آیت الله خامنه ای قبل از آقاجنفی قوچانی / تاریخ
حوزه های علمیه و مجاهدتهای علما / سنت های حوزه / منش طلبگی
نوع(ها): **روایت تاریخی**

متن فیش:

درس در حوزه های علمیه یک عبادت محسوب می شود. تربیت طلبگی از اول این است، درس یک عمل عبادی است. لازمه اش این است که این کار مقدس به حساب بیاید. اساتیدی که قبل از درس وضو می گیرند تا با وضو بروند سر درس و طلابی که پیش از رفتن به جلسه ی درس وضو می گیرند تا با وضو در درس حاضر بشوند، در حوزه ها کم نیستند. این یکی از چیزهای معمولی و رایج است که وضو بگیرند بروند درس. درس را آن روزی که در حوزه ها هیچ امتحانی وجود نداشت و هیچکس از کسی نمی پرسید که شما چقدر درس خواندید و بیا بینم چی خواندید. درس را در همان روزها هم طلبه ی حوزه با شوق و رغبت و به صورت خستگی ناپذیر و با فراموش کردن بسیاری از جلوه های زندگی دنبال می کرد هیچ انگیزه ای جز انگیزه ی معنوی و اخروی و الهی نمی تواند یک طالب علم را آن وقتی که از او نمی پرسند آقا شما چی خواندید و پیش کی خواندی؟ اینجور وادار به درس خواندن نمی کند. ما متأسفانه یک تحلیل درست و حسابی از زندگی طلبگی نداریم. تا این نکات و ظرائف توی آن منعکس شده باشد. معمولاً شرح حالهایی که هست متوجه به این خصوصیات و این نکات نیست. این کتاب زندگی مرحوم آقاجنفی قوچانی که به اسم سیاحت شرق منتشر شده خیلی چیز جالبی است. من به برادران و خواهران توصیه می کنم کتاب را بخوانند. خود مرحوم آقاجنفی یک شخصیت بسیار ممتازی بوده، یک انسان معنوی بوده. مرحوم شهید مطهری ایشان را دیده بود در قم. و به من می گفت ایشان اهل مکاشفه و اهل معنا بودند. کتاب دیگری ایشان دارد به نام سیاحت غرب که در احوال عالم برزخ

و پس از مرگ نوشته شده به شکل داستانی. مرحوم مطهری می گفتند من احتمال قوی می دهم که اینها مکاشفات این مرحوم هست، که به این شکل در کتاب سیاحت غرب آن را ثبت کرده. یک چنین شخصیتی. آن جا منعکس است، که طلبه چه جوری درس می خواند و چه جوری تلاش می کند و چه جور پای درس استاد می رود، و استاد را انتخاب می کند و چه جور عبادت می کند و چه جور گرسنگی می کشد، البته زمان آقاجنقی با حالا یک مقداری فرق می کند، و ما نمی گوئیم صد در صد آنجور است، نه، خیلی چیزها هست که زمان مرحوم آقاجنقی نبود و خوب هست، امروز، هست. بهتر از آن هم هست. آن روز طلبه ها جهاد در راه خدا و مبارزه ی در راه خدا را مثل امروز بلد نبودند و حضور در میدانهای خطر را. و همتهای این چنین بلند که ناظر به اداره ی دنیای اسلام است و حاکمیت اسلام در کل دنیای بشریت. از آن طرف هم البته تجرد و غنای نفس طلبه های آن روز شاید بیشتر بود. توجهاتشان یک مقداری بیشتر بود. طبعاً جلوه های زندگی صنعتی یک تأثیراتی می گذارد روی روحها و فکرها. اما عبادت دانستن درس و به عنوان یک کار عبادی یک وظیفه ی شرعی و الهی درس خواندن، این یک چیز فوق العاده مهمی در حوزه های علمیه هنوز هم هست.